

تحلیل جامعه‌شناختی دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران (آزمون‌های سراسری ۱۳۸۱-۱۳۸۴)

محمد توکل^{۱*}، نسرين سالم^۲، غلام‌عباس توسلی^۳

(تاریخ دریافت ۸۹/۲/۲۲، تاریخ پذیرش ۸۹/۶/۱۴)

چکیده

موضوع این مقاله، بررسی نابرابری (تفاوت پذیری) در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی است. منظور از دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی، دسترسی به آموزش عالی در بخش دولتی است. نویسندگان این مقاله دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی را با معرف‌های نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها و میزان پذیرفته‌شدگان بر حسب استان‌های کشور مطالعه کرده‌اند. سؤال اصلی تحقیق این است: نابرابری در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی چگونه قابل تبیین است؟ چارچوب نظری پژوهش با استفاده از رهیافت ستیزگرایی و نظریه بورديو ساخته شده است. در مدل ارائه‌شده، دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی تابع سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی، تأثیر سرمایه فرهنگی والدین بیشتر از سرمایه اقتصادی آنان است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل جامعه‌شناختی، فرصت‌های آموزش عالی، آزمون سراسری ۱۳۸۱-۱۳۸۴.

* matavakol@ut.ac.ir

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۲. کارشناس ارشد سازمان سنجش آموزش کشور
۳. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

طرح مسئله

موضوع این مقاله، بررسی وضعیت دستیابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران است. نویسندگان وضعیت دستیابی به فرصت‌های آموزش عالی را با میانگین نمره‌های پذیرفته‌شدگان و درصد پذیرفته‌شدگان روزانه آزمون سراسری در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۴ بر حسب استان‌های کشور مطالعه کرده‌اند. دستیابی به فرصت‌های آموزش عالی در شرایطی مطلوب است که توزیع نمره‌های ترازشده پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها در اطراف میانگین حداقل باشد. ادعای مقاله این است که نابرابری و تفاوت‌پذیری در میانگین نمره‌های پذیرفته‌شدگان و تعداد پذیرفته‌شدگان حداکثر است. در اثبات این مدعا می‌توان شواهد زیر را ارائه کرد:

جدول ۱ آماره‌های توصیفی نمره‌های پذیرفته‌شدگان

انحراف استاندارد	میانگین	بالاترین نمره	پایین‌ترین نمره	دامنه تغییرات	تعداد پذیرفته	نمره آزمون
۹۵۲/۵۳۷۵۷	۸۳۲۵/۸۰۸۴	۱۲۴۱۱/۰۰	۳۴۵۲/۰۰	۸۹۵۹/۰۰	۵۳۹۸۲	۱۳۸۱
۹۷۵/۷۶۵۱۸	۸۲۸۹/۵۱۰۹	۱۲۴۶۷/۰۰	۴۵۹۱/۰۰	۷۸۷۶/۰۰	۵۴۵۸۶	۱۳۸۲
۱۱۳۴/۸۵۷۴۲	۸۷۲۲/۲۷۶۶	۱۳۹۱۹/۰۰	۳۳۷۳/۰۰	۱۰۵۴۶/۰۰	۵۸۲۱۶	۱۳۸۳
۱۱۳۱/۸۶۰۳۵	۸۵۶۸/۲۴۰۲	۱۳۵۱۷/۰۰	۳۱۱۴/۰۰	۱۰۴۰۳/۰۰	۶۵۶۷۸	۱۳۸۴
۱۰۷۲/۲۲۱۸۱	۸۴۸۵/۰۶۸۴	۱۳۹۱۹/۰۰	۳۱۱۴/۰۰	۱۰۸۰۵/۰۰	۲۳۲۴۶۲	کل

(اسناد رسمی سازمان سنجش آموزش کشور)

با توجه به میزان‌های موجود در این جدول، پایین‌ترین دامنه تغییرات با ۷۸۷۶ مربوط به سال ۱۳۸۲ است. از سوی دیگر، پایین‌ترین نمره آزمون به ۱۳۸۱ و بالاترین آن به سال ۱۳۸۴ تعلق دارد. در باب میزان انحراف استاندارد باید گفت کمترین میزان انحراف استاندارد با ۹۵۲ در سال ۱۳۸۱ و بالاترین میزان با ۱۱۳۴ در سال ۱۳۸۳ رخ داده است. شاخص انحراف استاندارد نشان می‌دهد چه نسبتی از نمره‌ها در فاصله‌های مختلف نسبت به میانگین قرار گرفته است. مقدار این شاخص هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، تغییرپذیری داده‌ها کمتر است. در این تحقیق مقدار آن زیاد است؛ بنابراین پراکندگی در نمره‌های افراد در آزمون ورودی دانشگاه‌ها بیشتر و تجانس در توزیع داده‌ها کمتر است. در سطح کل آزمون‌ها، دامنه نمره‌ها از ۳۱۱۴/۰۰ بیشتر و میزان انحراف استاندارد برابر با ۱۰۷۲/۲۲۱۸۱ است.

شواهد مربوط به تعداد پذیرفته‌شدگان در استان‌ها بر آن دلالت دارد که در سال ۱۳۸۱ استان‌های یزد، قم، خراسان، اصفهان و فارس به ترتیب با ۷۱، ۵۸، ۵۷، ۵۱ و ۵۱ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر شرکت‌کننده، دارای بیشترین تعداد پذیرفته‌شده است. کمترین پذیرفته‌شدگان نیز به استان‌های هرمزگان، لرستان و اردبیل با ۲۰، ۲۵ و ۲۵ نفر مربوط است. دامنه تغییرات درصد پذیرفته‌شدگان از ۲۰ نفر در استان هرمزگان تا ۷۱ نفر در استان یزد متغیر است. استان تهران با تعداد پذیرفته‌شده ۴۴ نفر در حد وسط این دامنه قرار دارد. در سال ۱۳۸۲ استان‌های یزد، خراسان، قم، کردستان، فارس و اصفهان به ترتیب با ۷۷، ۵۸، ۵۴، ۵۱ و ۵۱ نفر در هر ۱۰۰۰ شرکت‌کننده، دارای بیشترین پذیرفته‌شده هستند. کمترین تعداد پذیرفته‌شده با ۲۰ نفر نیز در استان هرمزگان است. دامنه تغییرات در سال ۱۳۸۲ از ۲۰ نفر در استان هرمزگان تا ۷۷ نفر در استان یزد متغیر است. در سال ۱۳۸۳ استان‌های یزد و خراسان به ترتیب با ۸۵ و ۶۲ نفر در هر ۱۰۰۰ شرکت‌کننده دارای بیشترین پذیرفته‌شده، و استان هرمزگان با ۲۲ نفر دارای کمترین پذیرفته‌شده است. در سال ۱۳۸۴ استان‌های یزد، خراسان و کردستان به ترتیب با ۱۰۱، ۷۰ و ۶۸ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر دارای بیشترین پذیرفته‌شده است. کمترین تعداد پذیرفته‌شده در استان هرمزگان نیز ۲۳ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر است (سال، ۱۳۸۵). بر اساس آنچه گفته شد، درصد پذیرفته‌شدگان نیز از حداکثر تفاوت پذیری برخوردار است.

بنابراین، نابرابری (تفاوت‌پذیری) در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی با معرّف‌های نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها و درصد پذیرفته‌شدگان، قابل مشاهده است. اکنون سؤال مقاله به این صورت مطرح می‌شود که نابرابری در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی چگونه قابل تبیین است؟ پاسخ این سؤال ابتدا با استدلال نظری و سپس با استدلال تجربی ارائه شده است.

چارچوب نظری

دستگاه نظری مناسب این مقاله با الهام از رهیافت ستیزگرایی طرح شده است. خاستگاه رویکرد ستیزگرایی در اندیشه مارکس است. طرفداران این رویکرد منشأ نابرابری‌های اجتماعی را در توزیع نابرابر منابع ارزشمند و کمیاب اجتماعی می‌دانند. در رویکرد ستیزگرایی، آموزش

در تضادهای جامعه ریشه دارد و بخشی از نظامی است که بر تملک و عدم تملک بنا نهاده شده است. نظام‌های آموزشی از راه کنترل طبقه مسلط وجود ساخت طبقاتی را دائمی می‌کنند و در نتیجه، دسترسی گروه‌های مختلف جامعه به موقعیت‌های اجتماعی کنترل می‌شود. بنابراین، نظام آموزشی با ایفای نقش خود نظام طبقاتی را تداوم بخشیده، افراد را برای ایفای نقش در جامعه سرمایه‌داری آماده می‌کند (Ballantine, 1989).

یکی از نظریه‌های رویکرد ستیزگرایی، بازتولید اجتماعی^۱ است. نظریه بازتولید اجتماعی، سرمایه اقتصادی را اساس نابرابری و عامل مهمی در بازتولید اجتماعی می‌داند. این نظریه را برنشتاین^۲، بوردیو^۳ و باولز، که همگی از جامعه‌شناسان مارکسیست و نئومارکسیست هستند، مطرح کرده‌اند (Livingstone, 1987). آنان معتقدند نابرابری‌های اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و مدرسه در این انتقال نقش مهمی دارد. در واقع تجربه‌های به دست آمده از مدرسه به حفظ تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی میان خانواده کمک می‌کند. بر اساس این نظریه، ویژگی‌های ساختار اجتماعی در دوره‌های زمانی حفظ و دائمی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۳).

یکی دیگر از نظریه‌های رویکرد ستیزگرایی، بازتولید فرهنگی است. این نظریه را افرادی مانند برنشتاین، بوردیو، دوگلاس، ملوین کوهن^۴ و هایمن^۵ مطرح کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر بنگرید به ساعی، ۱۳۷۴). نظریه بازتولید فرهنگی از تحلیل ماکس وبر^۶ درباره نقش و جایگاه گروه‌های منزلتی در جوامع متأثر است. مفهوم بازتولید فرهنگی به وسایلی اشاره دارد که به کمک آن‌ها مدارس بر یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌ها تأثیر می‌گذارد. شیوه‌های رفتار و گفتار کودکانی که از زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی طبقه پایین برخاسته‌اند، به ویژه کودکان گروه‌های اقلیت، با شیوه‌های گفتار و رفتار مسلط در مدرسه در تضاد است. کودکان طبقه پایین هنگام ورود به مدرسه با تقابل فرهنگی بسیار شدیدی روبه‌رو می‌شوند تا کودکانی که خانواده‌های مرفه‌تری دارند. نظریه بازتولید فرهنگی با تأکید بر شیوه‌های جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای رفتاری (سرمایه

-
1. Social Reproduction
 2. Bernstein
 3. Bourdieu
 4. Melvin kohn
 5. Hyman
 6. Max Weber

تحلیل جامعه‌شناختی دست‌یابی به فرصت‌های ... محمد توکل و همکار

فرهنگی) از والدین به فرزندان، حفظ و بازتولید نابرابر سرمایه فرهنگی را از طریق نظام آموزش و پرورش می‌داند.

در این پژوهش، از میان صاحب‌نظران بازتولید اجتماعی و فرهنگی، بوردیو را انتخاب و نظریه او را بررسی کرده‌ایم. دلیل‌گزینش بوردیو این است که در نظریه او هم عناصر بازتولید اجتماعی و هم عناصر مفهومی بازتولید فرهنگی آمده است. بوردیو برخلاف مارکس، که طبقه را نظامی از حقوق مادی می‌داند، برداشت پیچیده‌ای از طبقه دارد که انواع سرمایه: سرمایه اجتماعی^۱، سرمایه فرهنگی^۲ و سرمایه اقتصادی^۳ را دربرمی‌گیرد. (گفتنی است که در این مقاله به سرمایه اجتماعی پرداخته نشده است.) این سه نوع سرمایه از نظر سیالیت^۴، قابلیت تبدیل^۵، فرسایش^۶ و تورم^۷ با هم متفاوت‌اند. سرمایه اقتصادی سیال‌تر است و به سرمایه اجتماعی فرهنگی به آسانی تبدیل می‌شود. در مقابل، قابلیت تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه فرهنگی پرهزینه‌تر، و تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی آسان‌تر است. سرمایه اقتصادی ناظر بر دارایی تولیدی از قبیل پول و هرچیز مادی است که می‌تواند در تولید کالا و خدمات به‌کار گرفته شود. افراد با داشتن سرمایه اقتصادی می‌توانند کالاهای فرهنگی بیشتری در اختیار داشته باشند و از امکانات تحصیلی و آموزشی بیشتری برخوردار شوند و از این راه سرمایه فرهنگی خود را افزایش دهند. سرمایه اقتصادی در مقایسه با سرمایه فرهنگی و اجتماعی با سرعت بیشتری به سرمایه‌های دیگر تبدیل می‌شود. سرمایه فرهنگی مهارت‌های غیررسمی بین اشخاص مانند سبک زندگی، وضعیت تحصیلی، ذائقه و زبان است که طی فرایند جامعه‌پذیری به‌دست می‌آید. سرمایه فرهنگی در بین سرمایه‌ها پابرجاترین و ثابت‌ترین سرمایه است.

ویژگی بارز سرمایه فرهنگی بوردیو، تحلیل سازوکار موفقیت‌های تحصیلی با توجه به میزان برخوردارگی گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش‌آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند (دانش‌آموزان خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی مسلط در اختیار دارند) قواعد بازی را رمزگشایی می‌کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و برتری‌های

1. Social Capital
2. Cultural Capital
3. Exonomic Capital
4. Liquidity
5. Convertibility
6. Attrition
7. Inflation

فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند، در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به مراتب بالای تحصیلی برسند. براساس این، طبقات مسلط در مقایسه با طبقات دیگر از سرمایه فرهنگی سهم بیشتری می‌برند؛ بنابراین بیشتر می‌توانند این نوع سرمایه را در اختیار فرزندان بگذارند. با افزایش سرمایه فرهنگی نزد طبقات متوسط، عملکرد تحصیلی فرزندان نیز افزایش می‌یابد.

بورديو در تحليل موفقيت‌هاي تحصيلي طبقات مختلف اجتماعي خاطرنشان مي‌کند که همگام با گسترش سريع آموزش عالي، سرمایه فرهنگی به عنوان نيروي جديد در موفقيت افراد وارد عمل مي‌شود. سرمایه فرهنگی ممکن است به سه شکل وجود داشته باشد:

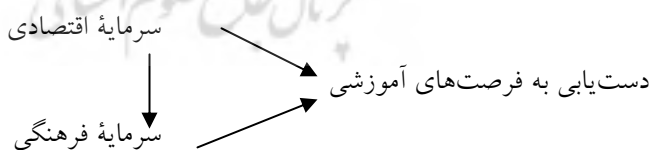
۱. سرمایه فرهنگی دروني شده^۱: توانايي‌هاي بالقوه‌اي که کم‌کم بخشي از وجود فرد شده و در او تثبيت شده‌اند.

۲. سرمایه فرهنگی عيني^۲: کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی مانند کتاب، نقاشی و آثار هنری.

۳. سرمایه فرهنگی نهادينه شده^۳: صلاحیت‌هاي تحصيلي که در قالب مدارک و مدارج تحصيلي قرار مي‌گیرند (بورديو، ۱۳۸۴).

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در نظریه بازتولید، آموزش، بازتابی از ساختار توزیع سرمایه فرهنگی و اقتصادی بین طبقات اجتماعی است.

اکنون با الهام از نظریه بورديو می‌توان دستگاه نظری متناسب با مسئله مقاله را فرموله کرد و تبیین نظری تفاوت‌پذیری در دست‌یابی به فرصت‌هاي آموزش عالي را ارائه نمود. در واقع دستگاه نظری مقاله در چارچوب رهیافت ستیزگرایی بر نظریه طبقه بورديو بنا نهاده شده و ساختار منطقی آن به صورت زیر است:



1. Embodied
2. Objective
3. Institutionalized

تحلیل جامعه‌شناختی دست‌یابی به فرصت‌های ... محمد توکل و همکار

بر اساس این مدل نظری، سرمایه اقتصادی به سرمایه فرهنگی منجر می‌شود. سرمایه فرهنگی دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی را آسان می‌کند. از سوی دیگر، سرمایه اقتصادی به‌طور مستقیم نیز موفقیت افراد را در دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی تبیین می‌کند. از چارچوب نظری این مقاله دو فرضیه برآمده است:

- فرضیه اول دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی در ایران با سرمایه اقتصادی والدین هم‌تغییری دارد؛ به‌گونه‌ای که هرچه میزان سرمایه اقتصادی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود.

- فرضیه دوم بر این اساس بنا نهاده شده است که دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران با سرمایه فرهنگی والدین هم‌تغییری دارد؛ به‌گونه‌ای که هرچه میزان سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود.

چارچوب روش‌شناختی

در این قسمت مفاهیم فرضیه‌ها تعریف، و نحوه سنجش آن‌ها مشخص شده است.

- دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی: منظور از دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی، دسترسی به دانشگاه است. دسترسی به فرصت‌های آموزشی با معرف‌های تجربی درصد پذیرفته‌شدگان و میانگین نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها اندازه‌گیری شده است.

- سرمایه اقتصادی: منظور از سرمایه اقتصادی، سرمایه مبتنی بر درآمد مالی و منابع مالی و دارایی است. معرف تجربی سرمایه اقتصادی، درآمد والدین پذیرفته‌شدگان و پذیرفته‌نشده‌گان آزمون سراسری است.

- سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی مهارت‌های غیررسمی بین اشخاص مانند سبک زندگی و وضعیت تحصیلی است که طی فرایند جامعه‌پذیری به‌دست می‌آید. سرمایه فرهنگی ممکن است به سه شکل وجود داشته باشد: درونی‌شده، عینی و نهادینه‌شده. در اینجا بعد سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده بررسی شده است. مفهوم سرمایه فرهنگی

نهادینه شده با معرف‌های تجربی سواد والدین و معدل دبیرستان پذیرفته‌شدگان اندازه‌گیری شده است.

روش گردآوری داده‌های این پژوهش، اسنادی است و با مراجعه به اسناد موجود در سازمان سنجش آموزش کشور، داده‌های مناسب جمع‌آوری شده است. روش تحلیل تجربی نیز کمی است و از روش‌های آماری مانند درصد، نرخ، میانگین و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. جامعه آماری مقاله، کل پذیرفته‌شدگان دوره کارشناسی و روزانه آزمون‌های سراسری سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ است. از داوطلبان پذیرفته‌نشده به‌عنوان گروه کنترل بر حسب ضرورت استفاده شده است. واحدهای تحلیل نیز استان و سال است.

یافته‌ها

در این بخش راه‌حل نظری ارائه‌شده در چارچوب نظری، با استدلال تجربی ارزیابی شده است. به عبارت دیگر، گزاره‌های فرضیه‌های علمی از طریق گزاره‌های مشاهده‌ای، در پرتو استدلال تجربی مورد آزمون تجربی واقع شده است. پیش از آزمون فرضیه‌ها، تأثیر عامل جنسیت بر متغیر وابسته یعنی نمره آزمون بررسی شده است.

در جدول شماره دو توزیع میانگین نمره‌ها در بین قبول‌شدگان و مردودی‌ها با واردکردن عامل جنسیت نشان داده شده است. تأثیر عامل جنسیت در تفاوت میانگین نمره‌های آزمون پذیرفته‌شدگان و مردودی‌ها قابل توجه است. در سال‌های مورد بررسی میانگین نمره‌های پذیرفته‌شدگان مرد نسبت به پذیرفته‌شدگان زن بیشتر است؛ درحالی‌که در این سال‌ها میانگین نمره‌های آزمون مردودی‌های زن نسبت به مردودی‌های مرد در سطح بالاتری قرار دارد. مقایسه سال‌های آزمون نشان می‌دهد میانگین نمره آزمون در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال‌های دیگر بالاتر است و سال ۱۳۸۴ در مرتبه بعدی قرار دارد.

جدول ۲ توزیع نمرهٔ آزمون بر حسب وضعیت پذیرش از سال ۱۳۸۱-۱۳۸۴

جنسیت		سال آزمون		
مرد	زن			
نمرهٔ آزمون	نمرهٔ آزمون			
میانگین	میانگین			
۸۳۷۸/۳۰	۸۲۸۷/۹۳	قبولی	وضعیت قبولی	۱۳۸۱
۴۹۶۵/۵۱	۵۱۹۱/۹۰	عدم قبولی		
۸۳۷۲/۰۸	۸۲۲۸/۴۳	قبولی	وضعیت قبولی	۱۳۸۲
۴۹۹۱/۵۷	۵۱۶۱/۸۴	عدم قبولی		
۸۷۴۳/۳۳	۸۷۰۵/۸۱	قبولی	وضعیت قبولی	۱۳۸۳
۴۹۷۱/۰۴	۵۱۸۷/۲۴	عدم قبولی		
۸۵۸۵/۰۴	۸۵۵۵/۶۵	قبولی	وضعیت قبولی	۱۳۸۴
۴۹۷۹/۱۳	۵۱۳۹/۱۴	عدم قبولی		

داوری در باب فرضیهٔ اول

فرضیهٔ اول به این صورت بیان شده بود که دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی در ایران با سرمایهٔ اقتصادی همراه است. معرّف تجربی آن نیز درآمد والدین پذیرفته‌شدگان و پذیرفته‌نشده‌گان در آزمون ورودی دانشگاه‌هاست. بر اساس آنچه پیشتر گفته شد، دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی با معرّف‌های میانگین نمرهٔ آزمون ورودی و درصد پذیرفته‌شدگان و سرمایهٔ اقتصادی با درآمد والدین مورد سنجش قرار گرفته است. رابطهٔ متغیر درآمد والدین را با امکان دست‌یابی/عدم دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی، با شاخص‌های آماری درصد و نمودار بررسی کرده‌ایم.

جدول ۳ توزیع درآمد والدین بر حسب وضعیت پذیرش

جمع	وضعیت پذیرش				درآمد والدین
	عدم قبولی		قبولی		
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱۱۴۶۴۱۰	۱۱۱۰۳۰۵	۹۶/۹	۳۶۱۰۵	۳/۱	پایین
۱۶۸۶۵۴۵	۱۶۲۰۱۹۰	۹۶/۱	۶۶۳۵۵	۳/۹	متوسط
۱۷۰۹۲۶۷	۱۶۰۵۶۴۹	۹۳/۹	۱۰۳۶۱۸	۶/۱	بالا
۴۵۴۲۲۲۲	۴۳۳۶۱۴۴	۹۵/۵	۲۰۶۰۷۸	۴/۵	جمع

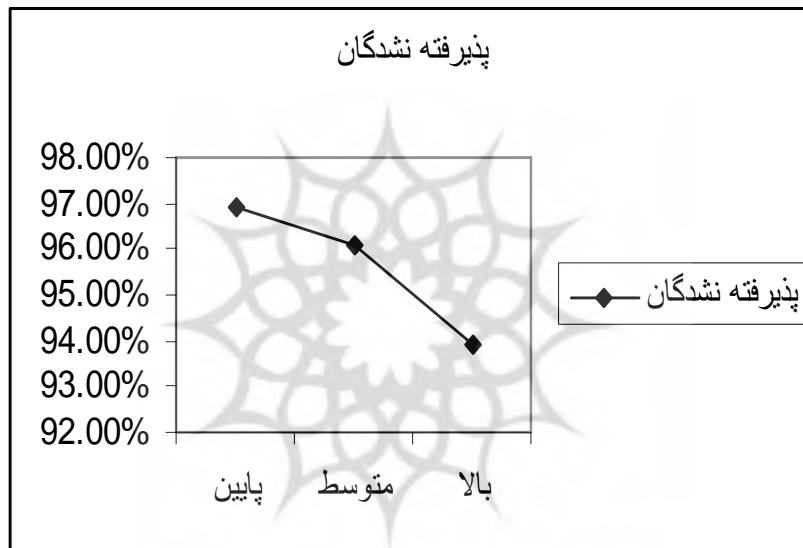
توزیع درآمد والدین در جدول شماره سه نشان می‌دهد هرچه درآمد والدین بالاتر باشد، میزان پذیرفته شدگان نیز بیشتر می‌شود. شواهد گویای آن است زمانی که درآمد والدین به عنوان معرف تجربی سرمایه اقتصادی پایین است، نسبت قبولی نیز پایین می‌آید؛ اما با افزایش سرمایه اقتصادی نسبت قبولی نیز افزایش می‌یابد؛ به این معنا که تغییرات متغیر سرمایه اقتصادی با تغییرات نسبت پذیرفته شدگان، تابع الگوی تغییر منظم^۱ است.



نمودار ۱ وضعیت پذیرفته شدگان بر حسب درآمد والدین

تحلیل جامعه‌شناختی دست‌یابی به فرصت‌های ... محمد توکل و همکار

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: آیا می‌توان به این یافته آماری اعتماد کرد؟ در پاسخ به این سؤال، میزان مردودی‌های آزمون‌های سال‌های مورد مطالعه را وارد تحلیل کرده، رابطه به‌دست آمده را کنترل می‌کنیم. شواهد نشان می‌دهد زمانی‌که سرمایه اقتصادی پایین است، نسبت مردودشده‌ها در مقایسه با طبقه مرفه، بالاست؛ به این معنا که با افزایش سرمایه اقتصادی احتمال مردودی در میان فرزندان دارای سرمایه اقتصادی بالا کاهش می‌یابد. در اینجا نیز شاهد یک الگوی تغییر منظم هستیم (نمودار ۲).



نمودار ۲ وضعیت پذیرفته‌نشده‌گان بر حسب درآمد والدین

نمره آزمون ورود به دانشگاه یکی دیگر از معرف‌های تجربی دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی است و رابطه آن با درآمد والدین با استفاده از تکنیک رگرسیون بررسی شده است.

جدول ۴ رگرسیون درآمد والدین بر نمره آزمون ورود به دانشگاه

ضرایب	سال آزمون				
	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	کل
R	.۲۴	.۲۵۳	.۲۵۶	.۲۵۲	.۲۷۶
R Square	.۰۵۰	.۰۶۴	.۰۶۶	.۰۶۳	.۰۷۶
F	۲۰.۲۷۲۹	۷۷.۳۰۹۱	۲۳.۳۷۰۸	۶۶.۴۱۵۵	۰۰۶.۱۷۰۱۰
Sig	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
(Constant)	۳۴.۷۷۹۰	۵۲.۷۵۷۲	۰۲.۸۰۲۵	۳۸.۷۶۷۸	۶۲۷.۷۷۹۹
B	.۰۰۴	.۰۰۴	.۰۰۳	.۰۰۴	.۰۰۴

یافته‌های آزمون تجربی نشان می‌دهد ضریب همبستگی نمره آزمون ورود به دانشگاه در سال ۱۳۸۱ با متوسط درآمد والدین ۲۴ درصد و ضریب تعیین آن معادل ۰/۰۵ است؛ به این معنا که نسبتی از واریانس متغیر نمره آزمون ورود به دانشگاه که با متغیر متوسط درآمد والدین تبیین شده، به اندازه ۰/۰۵ و واریانس باقی مانده ۹۵ درصد است. نسبت F معنادار بودن این رابطه را تأیید می‌کند.

$$Y = 34.7790 + 0.004 (\text{متوسط درآمد والدین})$$

بر اساس یافته‌های تجربی موجود در تابع رگرسیون، می‌توان داوری کرد که اگر تأثیر متوسط درآمد والدین را روی نمره آزمون ثابت نگه داریم، عرض از مبدأ برابر با ۳۴.۷۷۹۰ است. به ازای هر واحد تغییر یا افزایش در متغیر متوسط درآمد والدین ۰/۰۰۴ واحد تغییر^۱ در نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها قابل تخمین^۲ است. یافته‌های تجربی به دست آمده در سال ۱۳۸۱ از نظر ضریب تعیین و شیب رگرسیون در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ نیز صادق است؛ بنابراین از تحلیل آن‌ها خودداری می‌شود.

تحلیل رگرسیون در سطح کل آزمون‌های مورد بررسی نشان می‌دهد نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها به اندازه ۲۷ درصد با متوسط درآمد والدین همبستگی دارد. این مقدار با مقدار

1. Change
2. Estimated

تحلیل جامعه‌شناختی دست‌یابی به فرصت‌های ... محمد توکل و همکار

به‌دست آمده در سطح تحلیل درون‌آزمونی چندان تفاوتی ندارد. ضریب زاویه رگرسیون هم در سطح تحلیل کل و هم در سطح درون‌آزمون یکسان است. بر مبنای این داده‌ها می‌توان چنین داوری کرد: درآمد والدین با دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی رابطه معنادار دارد؛ هرچند این رابطه قوی نیست.

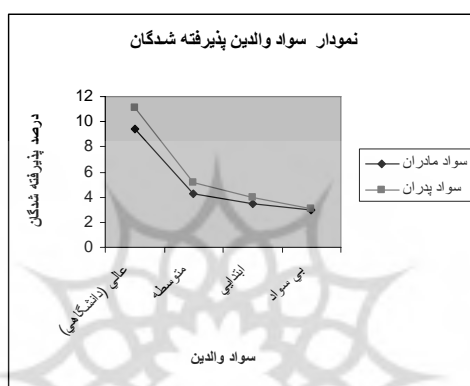
داوری در باب فرضیه دوم

دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران با سرمایه فرهنگی همراه است؛ به‌گونه‌ای که هرچه میزان سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود. براساس تعریف عملیاتی، مفهوم سرمایه فرهنگی با بعد سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده اندازه‌گیری شده است و معرف‌های تجربی آن، سواد والدین و معدل دبیرستان پذیرفته‌شدگان است. رابطه متغیر سواد والدین را با امکان دست‌یابی / عدم دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی از طریق شاخص‌های آماری درصد و نمودار بررسی کرده‌ایم.

جدول ۵ توزیع تحصیلات والدین با وضعیت پذیرش

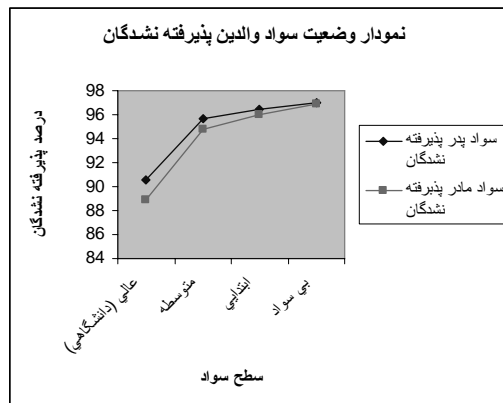
وضعیت پذیرش				تحصیلات والدین
پذیرفته‌نشده‌گان		پذیرفته‌شدگان		
مادران	پدران	مادران	پدران	
۸۸/۹	۹۰/۶	۱۱/۱	۹/۴	دانشگاهی (عالی)
۹۴/۸	۹۵/۷	۵/۲	۴/۳	متوسطه
۹۶/۰	۹۶/۵	۴/۰	۳/۵	ابتدایی
۹۶/۹	۹۷/۰	۳/۱	۳/۰	بی سواد
۹۵/۴	۹۵/۴	۴/۶	۴/۶	جمع

شواهد نشان می‌دهد زمانی که سرمایه فرهنگی (با معرفت تجربی سواد والدین) پایین است، نسبت قبولی نیز کم است؛ اما با افزایش آن، نسبت قبولی نیز بالا می‌رود. این رابطه در تمام سال‌های مورد مطالعه صادق است؛ به این معنا که تغییرات معرفت تجربی سرمایه فرهنگی با نسبت تغییرات پذیرفته‌شدگان تابع یک الگوی تغییر منظم است. این الگوی تغییر از نوع خطی است. نمودار شماره سه گواه این ادعا است.



نمودار ۳ رابطه سواد والدین با درصد پذیرفته شدگان

برای اینکه بدانیم تا چه اندازه می‌توان به یافته‌های آمارهای به دست آمده اعتماد کرد، نسبت مردود شده‌ها را وارد تحلیل می‌کنیم. شواهد نشان می‌دهد زمانی که سواد والدین در سطح دانشگاهی (عالی) است، نسبت مردودی‌ها در مقایسه با میزان مردودی‌های سایر طبقات تحصیلی پایین است. اما وقتی سواد والدین کاهش پیدا می‌کند، میزان مردود شده‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که این میزان در گروه بی‌سوادان به حداکثر می‌رسد. بنابراین، می‌توان چنین داوری کرد: سواد والدین می‌تواند یکی از عوامل تبیین‌کننده توزیع فرصت‌های آموزشی باشد؛ به این معنا که تغییرات معرفت تجربی سرمایه فرهنگی (سواد والدین) با تغییرات نسبت پذیرفته‌شدگان تابع یک الگوی تغییر منظم است (نمودار ۴).



نمودار ۴ رابطه سواد والدین با درصد پذیرفته‌نشده‌گان

نکته قابل توجه این است که اگر عوامل تأثیرگذار دیگر ثابت فرض شوند، در شرایط مساوی میزان دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در میان افرادی که مادر آنان مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر دارند، بیشتر از کسانی است که پدرانشان همان میزان تحصیلات را دارند؛ بنابر این سهم سواد مادر در موفقیت تحصیلی فرزندان بیشتر از سواد پدر است. در ادامه، رابطه معدل دبیرستان را با نمره آزمون ورودی می‌سنجیم. ابتدا رابطه این دو متغیر را برحسب استان محل اخذ دیپلم بررسی، و سپس تحلیل رگرسیون کل را ارائه می‌کنیم.

جدول ۶ رگرسیون معدل دبیرستان بر نمره آزمون بر حسب استان

ضرایب						استان محل اخذ دیپلم
B	Constant	Sig.	F	R Square	R	
۲۱۸/۶۳۳	۲۷۸۴/۴۹۴	/۰۰۰	۴۵۸/۵۳۹	/۱۷۳	/۴۱۶	اردبیل
۲۰۱/۷۲۵	۵۱۳۴/۲۵۰	/۰۰۰	۱۵۶۹/۰۳۸	/۱۵۲	/۳۹۰	آذربایجان شرقی
۱۹۴/۴۶۱	۵۲۱۹/۱۵۳	/۰۰۰	۹۷۹/۵۳۰	/۱۶۶	/۴۰۸	آذربایجان غربی
۲۸۳/۸۳۷	۳۶۷۹/۸۶۶	/۰۰۰	۳۹۳۸/۱۲۶	/۲۱۵	/۴۶۴	اصفهان
۱۵۱/۸۸۹	۵۵۷۲/۲۳۶	/۰۰۰	۳۹۳/۵۷۸	/۱۲۰	/۳۴۶	ایلام
۱۷۳/۱۱۳	۵۵۳۰/۷۱۵	/۰۰۰	۱۰۱۱/۲۶۴	/۱۴۴	/۳۷۹	کرمانشاه

ضرایب						استان محل اخذ دیپلم
B	Constant	Sig.	F	R Square	R	
۱۴۲/۷۶۱	۵۸۷۵/۷۱۷	/۰۰۰	۱۸۹/۱۷۴	/۰۹۵	/۳۰۹	بوشهر
۲۴۲/۶۳۳	۴۶۴۱/۶۱۱	/۰۰۰	۷۴۶۳/۹۴۳	/۱۷۰	/۴۱۲	تهران
۲۱۴/۶۱۵	۴۷۳۸/۷۰۲	/۰۰۰	۵۰۳/۱۸۹	/۱۵۶	/۳۹۵	چهارمحال بختیاری
۲۵۰/۳۰۶	۴۲۶۵/۵۵۹	/۰۰۰	۴۹۴۴/۷۳۴	/۲۱۰	/۴۵۹	خراسان
۱۷۹/۱۰۶	۵۳۹۷/۸۵۲	/۰۰۰	۱۱۴۳/۶۵۵	/۱۴۵	/۳۸۰	خوزستان
۱۶۰/۵۰۲	۵۷۰۳/۱۸۷	/۰۰۰	۲۶۰/۹۵۲	/۱۲۰	/۳۴۷	زنجان
۳۰۳/۰۳۷	۳۳۳۴/۷۱۰	/۰۰۰	۴۰۶/۰۶۲	/۲۵۰	/۵۰۰	سمنان
۲۱۲/۴۸۹	۳۹۸۷/۱۴۱	/۰۰۰	۶۵۵/۰۸۸	/۲۰۷	/۴۵۵	سیستان و بلوچستان
۲۰۶/۴۲۷	۵۰۹۷/۷۰۰	/۰۰۰	۲۸۰۷/۳۵۴	/۱۶۰	/۴۰۰	فارس
۱۷۰/۶۳۳	۵۵۹۸/۴۸۰	/۰۰۰	۶۵۳/۳۱۲	/۱۴۳	/۳۷۸	کردستان
۲۹۳/۴۹۵	۳۲۷۲/۹۲۲	/۰۰۰	۱۳۵۳/۴۷۳	/۲۱۴	/۴۶۳	کرمان
۱۶۹/۶۸۲	۵۵۰۵/۱۱۰	/۰۰۰	۴۶۹/۹۳۵	/۱۵۶	/۳۹۵	کهگیلویه و بویراحمد
۲۱۳/۹۷۹	۴۸۴۴/۸۷۵	/۰۰۰	۸۰۵/۵۱۹	/۱۴۶	/۳۸۲	گیلان
۱۱۸/۳۵۶	۶۳۰۳/۶۷۵	۰۰۰	۴۱۵/۷۰۷	/۰۸۲	/۲۸۶	لرستان
۲۵۲/۳۷۴	۴۳۲۸/۸۵۳	/۰۰۰	۲۲۴۲/۴۷۰	/۱۹۸	/۴۴۵	مازندران
۲۲۹/۶۹۱	۴۶۲۴/۲۳۶	/۰۰۰	۵۸۵/۲۳۳	/۱۷۵	/۴۱۸	مرکزی
۲۰۹/۴۶۷	۴۵۵۹/۹۰۴	/۰۰۰	۲۹۷/۹۲۰	/۱۸۸	/۴۳۳	هرمزگان
۲۰۷/۸۲۳	۴۹۴۴/۷۲۱	۰۰۰	۸۲۲/۸۲۰	/۱۷۰	/۴۱۲	همدان
۳۶۵/۹۶۹	۲۲۹۰/۹۷۵	/۰۰۰	۱۵۹۷/۳۵۸	/۲۶۸	/۵۱۸	یزد
۱۹۸/۶۱۰	۵۱۳۲/۴۱۳	/۰۰۰	۵۱۵/۵۵۷	/۱۵۰	/۳۸۷	قم
۲۳۹/۶۵۶	۴۴۹۳/۰۸۴	/۰۰۰	۴۴۸/۳۶۷	/۱۹۱	/۴۳۷	قزوین
۲۳۰/۵۳۷	۴۵۶۹/۴۷۶	/۰۰۰	۸۳۶/۵۹۸	/۱۸۹	/۴۳۵	گلستان

تحلیل جامعه‌شناختی دست‌یابی به فرصت‌های ... محمد توکل و همکار

بر اساس داده‌های جدول، بیشترین میزان همبستگی بین معدل دبیرستان و نمرهٔ آزمون ورودی دانشگاه در استان‌های یزد، سمنان، اصفهان و خراسان رخ داده است. ضریب همبستگی در این استان‌ها به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۵۰، ۰/۴۶ و ۰/۴۶ است. کمترین همبستگی میان دو متغیر مورد مطالعه در استان‌های بوشهر با ۰/۳۱، ایلام با ۰/۳۵ و زنجان با ۰/۳۵ است. اکنون واحد تحلیل را تغییر داده، تحلیل رگرسیون را در سال‌های آزمون اجرا می‌کنیم.

جدول ۷ داده‌های تجربی رگرسیون معدل دبیرستان بر نمرهٔ آزمون ورودی بر حسب سال آزمون

ضرایب	سال آزمون			
	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
R	.۴۵	.۴۱	.۴۶	.۴۵
R Square	.۲۰	.۱۶	.۲۱	.۲۰
F	۲۹۳.۷۸۰۰	۶۰۷.۶۴۲۳	۴۸۲.۱۴۶۸۷	۰۴۲.۱۵۴۳۹
Sig	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
(Constant)	۱۱.۵۰۲۴	۲۵.۵۱۵۵	۹۱.۴۵۴۰	۳۶.۴۳۶۱
B	۱۹۳.۳۳	۱۱.۱۸۰	۳۳.۲۵۱	۱۸.۲۵۱

یافته‌های تجربی گویای آن است که در آزمون سال تحصیلی ۱۳۸۱ ضریب همبستگی نمرهٔ آزمون ورودی دانشگاه‌ها با معدل دبیرستان افراد ۴۵ درصد و ضریب تعیین آن معادل ۲۰/ است؛ به این معنا که نسبتی از واریانس متغیر نمرهٔ آزمون ورودی به دانشگاه که به‌وسیله متغیر معدل دبیرستان افراد تبیین شده، به‌اندازهٔ ۲۰/ و واریانس باقی‌مانده ۸۰ درصد است. نسبت F معنادار بودن این رابطه را تأیید می‌کند. ضریب همبستگی این دو متغیر در آزمون سال‌های تحصیلی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ به ترتیب ۴۶ درصد، ۴۱ درصد و ۴۵ درصد بوده است. مقدار ضریب تعیین در سال تحصیلی ۱۳۸۲ در مقایسه با سال‌های دیگر مورد مطالعه، حداقل است. بر مبنای این داده‌ها می‌توان گفت معدل دبیرستان با دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی ارتباط دارد. در ادامه همهٔ واحدهای تحلیل را یک‌جا وارد کرده، رگرسیون کل را اجرا می‌کنیم.

Model	R	R Square
۱	/.۴۴۵(a)	/.۱۹۸

در سطح تحلیل کل ضریب همبستگی نمره آزمون ورود به دانشگاه با معدل دبیرستان افراد ۴۶ درصد و ضریب تعیین آن معادل ۲۰/ است؛ به این معنا که نسبتی از واریانس متغیر نمره آزمون ورود به دانشگاه که به وسیله متغیر معدل دبیرستان افراد تبیین شده، به اندازه ۲۰/ است. نسبت F معنادار بودن این رابطه را تأیید می کند.

در جمع بندی می توان گفت در نظام آموزش عالی ایران میان معدل دبیرستان و میزان موفقیت در دستیابی به فرصت های آموزش عالی به اندازه ۴۵ درصد هم تغییری وجود دارد؛ یعنی به اندازه ۴۵ درصد با این گزاره نظری سازگار است: «دستیابی به فرصت های آموزش عالی در ایران با سرمایه فرهنگی همراه است؛ به گونه ای که هر چه میزان سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دستیابی به فرصت های آموزش عالی نیز بیشتر می شود.»

نتیجه گیری

بر مبنای شواهد و داده ها، سرمایه اقتصادی به اندازه ۲۷ درصد با متغیر دستیابی به فرصت های آموزشی هم تغییری دارد. به ازای هر واحد تغییر یا افزایش در متغیر سرمایه اقتصادی (متوسط درآمد والدین) ۰۰۴/ واحد تغییر در متغیر دستیابی به فرصت های آموزشی قابل تخمین است. این استدلال تجربی نمودار آن است که گزاره های نظری فرضیه اول با واقعیت سازگاری ضعیفی دارد؛ به این معنا که سرمایه اقتصادی عامل مهمی در تبیین مسئله این تحقیق نیست.

بر اساس شواهدی که ارائه شد می توان چنین داوری کرد که تغییرات سرمایه فرهنگی نهادینه شده (سواد والدین) با تغییرات میزان دستیابی به فرصت های آموزش عالی تابع یک نوع الگوی تغییر خطی است که در آن با افزایش سطح سواد والدین، میزان پذیرفته شدگان نیز افزایش یافته است. معرف تجربی دیگر سرمایه فرهنگی نهادینه شده، معدل دبیرستان افراد مورد بررسی است. شواهد نشان می دهد معدل دبیرستان به اندازه ۴۶ درصد با متغیر دستیابی به فرصت های آموزشی (نمره آزمون ورودی دانشگاه ها) هم تغییری دارد. این داده های تجربی گویای آن است که گزاره های تجربی به مقدار زیادی با فرضیه مقاله سازگار است.

بر اساس نتایج پژوهش، در دستیابی به فرصت های آموزشی در بخش آموزش عالی ایران، سهم و وزن سرمایه فرهنگی بیشتر از سرمایه اقتصادی است. سواد والدین و معدل دبیرستان افراد نیز به عنوان معرف های سرمایه فرهنگی نهادینه شده، متغیرهای مفهوم سرمایه فرهنگی هستند.

منابع

- اسناد رسمی سازمان سنجش آموزش کشور.
- بوردیو، پیر. (۱۳۷۳). «سرمایه فرهنگی و ذوق هنری». ترجمه ناهید مطیعی. *نامه فرهنگ*. ش ۴.
- توکل، محمد. (۱۳۷۷). «وضعیت آموزش عالی در ایران: واقعیت‌ها و چالش‌ها». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ش ۴.
- ساعی، علی. (۱۳۷۴). *بررسی عوامل اکتسابی و انتسابی موفقیت در ورود به دانشگاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- سالم، نسرين. (۱۳۸۵). *تحلیل جامعه‌شناختی توزیع فرصت‌های آموزش عالی در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران.
- فولتون. (۱۳۷۶). *برابری و آموزش عالی، دایره‌المعارف آموزش عالی تهران*. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۱ سازمان سنجش آموزش کشور.
- کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۲ سازمان سنجش آموزش کشور.
- کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۳ سازمان سنجش آموزش کشور.
- کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۴ سازمان سنجش آموزش کشور.
- گرب، جی ادوارد. (۱۳۷۳). *نابرابری اجتماعی دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*. ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاده. تهران: معاصر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- Livingston, David. (1987). *Critical pedagogy and cultural power*. Bergin and Garvey: publishers. inc.
- Ballantine, Jeanne. (1989). *The Sociology Education*. New Jersey: prentice Hall.
- Jenkins, Richard. (2002). *Pierre Bourdieu*. London and New York.